

بررسی بازتاب گسترش تشیع در خراسان و تأثیر آن بر مقبره علی بن موسی الرضا (ع) در منابع

جغرافیایی و تاریخی از قرن سوم تا اواخر دوره تیموریان

یوسف ظهوریان

دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

اردشیر اسدیگی (نویسنده مسئول)

jafar.asadbeigi@gmail.com

استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

شهریانو دلبری

استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

علیرضا روحی

دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران.

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱، سال ۱۸ شماره ۷۰- صفحه ۱۹۲-۱۷۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۳

چکیده

مدفن امام هشتم شیعیان علی بن موسی الرضا (ع) در دیار خراسان موجب گردید تا شیعیان و محبین خاندان اهل بیت (ع) در این ناحیه مسکن گزینند و خراسان مرکزی برای گسترش تشیع امامیه و نشر عقاید شیعیان در ایران گردد. حضور آنان در کنار بقعه متبرکه علی بن موسی الرضا (ع) موجب شد تا این بقعه شریفه در طول دوره‌های زمانی دستخوش تغییر و تحول در بنا و تزئینات گردد. روش این جستار به صورت توصیفی-تحلیلی هست. پرسش اصلی این تحقیق مبنی بر این مطلب است که گسترش تشیع امامیه چه تأثیری بر بقعه متبرکه علی بن موسی الرضا (ع) گذاشته است و این تأثیر در کتب جغرافی‌نگاران و مورخین چگونه بازتاب یافته است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که در دوره‌های اولیه مورخین و جغرافی‌دانان تنها به ذکر محل دفن پرداخته‌اند اما در ادوار بعد با حضور شیعیان و اقدامات آنان در جهت گسترش بقعه این امر مورد توجه جغرافی‌دانان و مورخین قرار گرفت و در باب تزئینات و ساختار بنای بقعه سخنانی ذکر شده است، برخی حتی پا را فراتر نهاده و با جزئیات به ذکر نام بانیان و اقدامات آنان در جهت تغییر در تزئینات و ساختار بنا پرداخته‌اند.

کلیدواژه: مقبره امام رضا (ع)، تشیع، خراسان، جغرافی‌نگاران، هنرشیعی.

مقدمه

دوران امامت امام رضا (ع) برابر با خلافت سه تن از خلفای عباسی، هارون (حک: ۱۷۰-۱۹۳ هـ)، امین (حک: ۱۹۳-۱۹۸ هـ) و مأمون (حک: ۱۹۸-۲۱۸ هـ) بود که با ایشان در دوره امامت معاصر بودند. (ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۹). مدت امامت آن حضرت نزدیک به بیست سال بود. (نوبختی، فرق الشیعه، ص ۸۷)

امام رضا (ع) درباره امامت خویش و جانشینی پدرشان تقیه نمی‌کرد، هرچند به فرموده امام کاظم (ع) و به پیروی از روش پیامبر اکرم (ص) در اظهار دعوت، ابتدا از اعلام عمومی امامت خویش خودداری کرد و فقط خاندان و یاران مورد اعتماد خود را از آن آگاه کرد. (ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ۲۶/۱). امام رضا به گونه‌ای رفتار می‌کرد تا حساسیت دستگاه خلافت برانگیخته نشود. مأموران و جاسوسان هارون الرشید در مدینه امام را زیر نظر داشتند و حتی رفت‌وآمد امام را به بازار مدینه گزارش می‌کردند. (همان، ۲۰۵/۲).

هارون که از پیامد قتل امام کاظم (ع) نگران بود، با وجود وسوسه‌های اطرافیانش دیگر متعرض امام رضا (ع) نشد. امام نیز به‌رغم نگرانی‌های یاران خود از خشم هارون، با خیال آسوده و پشت‌گرمی به خداوند آشکارا مردم را به حق دعوت می‌کرد. (ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا، ص ۸، شماره نسخه خطی ۱۷۴۴). محل اقامت امام رضا (ع)، صریا از آبادی‌های مدینه بود که امام کاظم (ع) بنیاد نهاده و آباد کرده بودند. (قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۳۶۵) یاران امام رضا آنجا با ایشان دیدار می‌کردند. امام رضا (ع) همچنین گاه در منطقه حمراءالاسد در جنوب مدینه اقامت می‌کردند. (ابن بابویه، ۲۰۸/۲).

امام رضا (ع) در زمان خودشان آن‌چنان منزلت و موقعیتی داشتند که شایسته مقام خلافت بود. با وجود این، امام رضا (ع) چنان‌که خود می‌فرمودند، هیچ‌گاه در اندیشه خلافت نبوده و به پیروی از روش و سیاستی که پدرانشان، پس از شهادت امام حسین (ع) در پیش گرفته بودند، از تأیید رسمی و همراهی با قیام‌های علویان خودداری می‌کردند و به این خاطر زیدیان که

روش مبارزه مسلحانه را دنبال می‌کردند، با آن حضرت مخالف بودند. (قطب راوندی، ۳۴۱/۱-۳۴۲) از منظر امام رضا(ع)، وقتی زمامداران امر به معروف و نهی از منکر بر آن‌ها اثر ندارد، راه مبارزه درگیری مسلحانه نیست. (یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۵۳).

ده سال نخست امامت حضرت رضا (ع) (۱۹۳-۱۸۳ هـ) در دوران هارون گذشت. هارون در سال ۱۹۲ هـ برای فرونشاندن شورش رافع بن لیث عازم خراسان شد، اما سال ۱۹۳ هـ در میانه راه، در طوس درگذشت. امین پسر و ولیعهد اول او در بغداد به خلافت نشست و مأمون ولیعهد دوم او، همراه هارون به خراسان رفته بود، در مرو مرکز خراسان سکونت کرد. در سال ۱۹۴ هـ امین، مأمون را از ولایتعهدی خلع کرد و پسر خود، موسی را ولیعهد نامید که در پی آن اختلاف ایجاد شد و در پی چند لشکرکشی و جنگ، سرانجام بغداد پایتخت خلافت به تصرف سرداران مأمون درآمد و امین در سال ۱۹۸ هـ کشته شد. (ابن اثیر، تاریخ کامل، ج ۶، ص ۲۲۱-۲۲۲) در این مدت امام رضا (ع) خود را از درگیری‌های آن‌ها دور نگه داشته بودند و به این دلیل، در پرتوی درگیری‌های بین امین و مأمون، امام رضا (ع) تا زمان شهادتشان فرصت یافتند که رسالت خود را در نشر تعالیم صحیح اسلامی در خراسان انجام دهند. (همان، ۲۸۹).

اهداف پژوهش این پژوهش واکاوی تأثیر تشیع امامیه در بقعه علی بن موسی الرضا (ع) در گسترش بنا و تزئینات تا اواخر دوره تیموری هست.

همچنین این پژوهش در پی پاسخ به این سؤالات است که:

در ادوار مختلف تاریخی از قرن سوم تا اواخر دوره تیموری بقعه علی بن موسی الرضا (ع) چه تغییراتی از لحاظ بنا و تزئینات را پشت سر نهاد؟

حضور حکومت‌های سنی مذهب در ایران در توسعه بافت بقعه و اقدامات وقفی تأثیری داشتند؟ در زمینه پیشینه مقاله حاضر باید گفت فعالیتی صورت نگرفته است. تنها مقاله‌ای با عنوان «جهانگردان اروپایی و اماکن مقدس اسلامی در ایران» توسط آقای ساسان طهماسبی در فصلنامه علمی، تخصصی سخن تاریخ در پاییز ۱۳۹۰ چاپ شده است که در این مقاله، سفرنامه‌های

جهانگردان اروپایی را بررسی کرده که به مشهد و مقبره امام رضا (ع) توجهی نداشته است. حال در این مقاله به دیدگاه سیاحان و جغرافی‌نگاران درباره امام رضا (ع) پرداخته می‌گردد. روش تحقیق حاضر از لحاظ هدف، تحقیقی کاربردی است. لذا پژوهشی است که با استفاده از نتایج تحقیقات بنیادی به منظور بهبود و به کمال رساندن رفتارها، روش‌ها و الگوهای مورد استفاده انجام می‌شود. هدف تحقیق حاضر کاربردی و توصیفی است. در مورد روش گردآوری اطلاعات در تحقیق، به صورت کتابخانه‌ای است. در این روش که به آن روش مطالعه‌ای گفته می‌شود تحقیق از راه مطالعه‌ی منابع و مأخذ صورت گرفته است. عمده‌ترین ابزاری که در تحقیق حاضر برای جمع‌آوری اطلاعات از آن بهره‌برداری شده است، فیش‌برداری هست.

ورود امام رضا (ع) به مرو

خراسان در زمان خلیفه دوم و به قولی در سال ۲۹ هجری، هنگامی که عثمان به خلافت رسید توسط سپاه اسلام فتح شد. (بلاذری، فتوح البلدان (بخش مربوط به ایران، ص ۱۵۸). در سال ۲۹ هجری، عبدالله بن عامر مسیر راهی را که در فتح خراسان پیمود، از بصره تا مرو بود. این خط سیر با مسیری که امام علی بن موسی الرضا (ع) در ۱۷۱ سال بعد می‌پیمایند، تشابه دارد. هنگامی که ماهک بن شاهک در فارس سر به شورش برداشت، عثمان، عبدالله بن عامر را با سپاهیان‌ش روانه فارس کرد و دستور داد از آنجا عازم خراسان شوند، عبدالله بن عامر از بصره به طرف فارس راهی شد و در صحرای اصطخر، ماهک تسلیم شد و سپس عبدالله از اصطخر به طرف خراسان رفت و با عبور از نیشابور و طوس و سرخس سرانجام به طرف مرو رفت (کوفی، الفتوح، ص ۸۰ - ۸۵).

ایالت خراسان در دوران اولیه اسلامی به چهار قسمت یعنی چهار ربع تقسیم می‌شد و هر ربعی به نام یکی از چهار شهر بزرگی که در زمان‌های مختلف کرسی آن ربع یا کرسی تمام ایالت به شمار می‌رفت، خوانده می‌شد که آن‌ها عبارت از نیشابور، مرو، هرات و بلخ بودند. پس از فتوحات اول اسلامی کرسی ایالت خراسان مرو و بلخ بود، ولی بعدها امرای سلسله طاهریان

مرکز فرمانروایی خود را به ناحیه باختر بردند و نیشابور را که شهر مهمی در غربی‌ترین قسمت - های چهارگانه بود، مرکز امارت خویش قرار دادند (اصطخری، مسالک الممالک، ص ۲۵۳ و ۲۵۶؛ ابن حوقل، صوره الارض، ۳۰۸-۳۱۰). امام علی بن موسی‌الرضا (ع) برای رفتن به مرو که در آن زمان مرکز حکومت مأمون بود، از ناحیه خراسان، از شهرهای مهم نیشابور، طوس و سرخس عبور کردند تا به مرو رسیدند (مقدسی، احسن التقاسیم، ۲۵۹؛ مستوفی، نزهه القلوب، ۱۸۵).

مأمون سال ۲۰۰ هـ رجاء بن ابی ضحاک (د. ۲۲۶ هـ) از کارگزاران دولت بنی‌عباس را که خویشاوند فضل بن سهل بود، به مدینه فرستاد که امام رضا (ع) را به مرو آورند (طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۸، ص ۵۴۴؛ حاکم نیشابوری، تاریخ نیشابور، ص ۲۰۸). مأمون سفارش کرده بود که امام را از راه کوفه و قم نیاورند (ذهبی، سیرأعلام النبلاء، ج ۹، ص ۳۹۰). به این دلیل که نگران بود احساسات شیعیان این شهرها در دوستی با امام، برای او مشکلاتی را ایجاد کند. سرانجام ایشان در سال ۲۰۳ هـ توسط مأمون به شهادت رسیدند. (مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، ص ۴۴۱).

ایرانیان به‌ویژه در شرق شامل خراسان اهمیت خاصی را برای اهل‌بیت در طول تاریخ قائل بودند. ساماندهی نخستین شورش‌ها و اعتراض بر ضد امویان، همراهی با یحیی بن زید و استقبال بی‌نظیر از امام رضا (ع) در زمان ورود به ایران و انگیزه زیارت مرقد ایشان از دلایل این اهمیت است. آن‌گونه که در حجاز، عراق و شام با پیروان و مرقد‌های امامان علیهما‌السلام در طول تاریخ بی‌احترامی‌هایی بوده است، در ایران در برخورد با مقبره امام رضا (ع) در طول تاریخ چنین مواردی وجود نداشته است این محبت به امامان از آن جمله به امام رضا (ع) غالباً توسط زیدیان، اسماعیلیان و جعفری به ایران منتقل و به دو صورت گسترش یافت. شکل اول آن، گرایش کلی به سمت اهل‌بیت است که از طریق داعیان عباسی تبلیغ شد و دیگری از طریق شیعیان اعتقادی یا امامی مذهب صورت گرفت (ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۳۵).

نگاه جغرافی‌دانان و مورخین به مقبره امام رضا (علیه‌السلام)

در قرن سوم هجری به تدریج، به دلیل مزار امام رضا (ع) امام هشتم شیعیان امامیه خراسان بسیار شهرت یافت و سادات از هر منطقه بدان جا رهسپار گردیدند و در آنجا ساکن شدند. حکام و سلاطین نیز به برکت وجود مقبره امام رضا (ع) به آن ناحیه و مقبره ایشان رسیدگی کردند. (حافظ ابرو، جغرافیای تاریخی خراسان، ص ۶۲-۶۳) همچنین با توجه به شواهد منابع موجود عمده فعالیت‌های جغرافیایی مسلمانان از قرن سوم هجری به بعد است. یعقوبی (م ۲۸۴ هـ ق). در کتاب جغرافیایی خود می‌نویسد آنچه از استان‌های نیشابور و مضافات آن نزدیک به دریای دیلم است، طوس به این بلاد پیوسته است و در طوس قبر هارون‌الرشید در آنجا است و همچنین شهادت حضرت علی بن موسی بن جعفر (ع) آنجا روی داد و بزرگ‌ترین شهر طوس را نوقان می‌گویند (احمد بن ابی یعقوب «ابن واضح یعقوبی»، البلدان، ص ۵۳). جیهانی نیز در کتاب خود آورده است که «از نیشابور تا طوس سه منزل فاصله است» (جیهانی، اشکال العالم، ص ۱۷۳). در اینجا این نکته را باید ذکر نمود که از کم و کیف دقیق بنای اولیه اطلاعاتی در دست نیست، اما با توجه به نحوه قرارگیری مدفن مطهر امام رضا (ع) این گونه می‌توان بیان نمود که محدوده مقبره اولیه همان محدوده روضه منور در دوره حاضر است.

عمدتاً در فاصله نیمه دوم قرن چهارم هجری، اقدامات قابل ملاحظه‌ای برای آرامگاه و مقبره امام رضا (ع) در پی حضور شیعیان در خراسان صورت گرفت و بارگاه رونق بسیار یافت. یکی از جغرافی‌دانان مسلمان در قرن چهارم هجری اصطخری از اهالی فارس است که هدف وی در کتابش بحث راه‌ها و مسافت بلاد است، وی به مقبره امام رضا نیز پرداخته است. به نوشته اصطخری در نوقان در چهار فرسخی شهر طوس، مقبره علی بن موسی الرضا (ع) است که شیعیان برای زیارت آن مکان می‌روند (اصطخری، مسالک و ممالک، ص ۲۰۵). ابن حوقل از جهانگردان قرن چهارم هجری نیز در سال ۳۶۷ هـ ق. از کسانی است که در زمان سامانیان از خراسان دیدن کرده است، ابن حوقل پیرامون وضعیت مرقد مطهر امام رضا (ع) نوشته که قبر

علی بن موسی‌الرضا (ع) در بیرون شهر نوقان است و در مجاورت آن قبر هارون‌الرشید، در مقبره‌ای زیبا در قریه‌ای به نام سناباد است که حصنی^۱ استوار دارد و گروهی در کنار آن معتکف هستند (ابن حوقل، صورة الارض، ج ۱، ص ۴۳۴)، این امر نشان دهنده عمران و آبادی گرداگرد مقبره و اقامت گزیدن عده‌ای از شیعیان به عنوان زائر و مسافر در آن مکان است و عبارت «حصنی استوار» در گزارش مذکور این احتمال را نیز دو چندان می‌کند.

جغرافی‌دان دیگری که صاحب کتاب حدود العالم (حدود تألیف ۳۷۲ هـ ق.) است، در کتاب خود اشاره می‌کند که نوقان مزار و مقبره امام رضا است و مردم برای زیارت به آنجا می‌روند (حدود العالم من المشرق الی المغرب، ص ۲۹۴). گزارش مقدسی (د ۳۷۵ هـ ق.) که در عهد سامانیان (۲۷۹-۳۸۹ هـ ق.) به خراسان سفر کرده است، به نقل از برخی پیران «نسا» می‌آورد که مردم طوس در دو جهان پیش هستند، در دنیا از آن جهت که پیش از دیگر مردم به اسلام گرویدند و در آخرت نیز از آن روی که خداوند در سوره اسراء آیه ۷۱، وعده داده است و علی بن موسی‌الرضا (ع) که یکی از فاضل‌ترین امامان بود نزد ایشان است (مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ج ۲، ص ۴۶۸). در قرن چهارم هجری و در زمان امیران سامانی به وسیله این حاکمان به آبادانی بارگاه رضوی و زیارت آن مکان اهتمام بسیار می‌شده است. چنانچه به گفته مقدسی در این زمان برای حرم دری ساخته شده و عمید الدوله فائق (د. ۳۸۹ هـ ق.) از سرداران سامانی نیز مسجدی برای آن ساخت که در خراسان بهتر از آن نیست (همان، ۴/۴۸۸). علاوه بر این بیهقی نیز اشاره می‌کند که در این دوره بوبکر شهرمد، کدخدای دبیر فائق، غلام رومی که یکی از سالاران بزرگ سامانیان شد، به مقبره و بارگاه امام رضا (ع) توجه کرده است و نسبت به آبادانی آن اقدام کرده است (بیهقی، تاریخ بیهقی، ج ۱، ص ۵۳۱). همان‌طور که بیان شد در قرن چهارم شیعیان پیرامون بقعه یا مرقد علی بن موسی‌الرضا (ع) را محل سکونت خویش قرار داده و رونق زیارت و اعتکاف در جوار این مضجع شریف افزون

^۱ بنا و جای استوار

می‌شود، چنان‌که در نیمه دوم قرن چهارم در رقابتی که بین طرفداران حکومت عباسی و اهل سنت با شیعیان در نصب صندوقی که بر روی قبر هارون‌الرشید بروز کرد، شیعیان مانع نصب آن گردیدند و قاضی صاعد، مفتی سنی نیز به نفع شیعیان فتوا داد. این مفتی هنگامی که در سال ۳۷۵ هجری به حج رفت و در بغداد مورد عتاب خلیفه قرار گرفت، در دفاع از خود گفت: من صاحب فتوا بودم و فتوای خود را بر آنچه مطابق شرع و مصلحت بود، دادم و می‌دانستم که اگر آن صندوق نصب شود از آنجا کنده خواهد شد، به خاطر چیرگی اهل تشیع و این کار سبب وقوع فتنه و تعصب و اضطراب می‌گردد که موجب فساد در ممالک خواهد شد. پس از این دفاع، خلیفه او را خرسند کرد و خلعت داد و بر دست وی نوشته‌ای به سلطان فرستاده شد (الفارسی، الحلقة الاولى من تاریخ نيسابور المنتخب من السياق، ص ۴۰۰). این سخن نشان از قدرت شیعیان و تسلط آنان به لحاظ مذهبی و اعتقادی در قرن چهارم هجری در ناحیه خراسان دارد و چنان است که برخی تغییرات در بقعه متبرکه را بدون ملاحظه در باب ساحت مقدس علی بن موسی الرضا (ع) برنمی‌تافتند و علاوه بر آن اهل تسنن نیز یا همراه آنان بودند یا تلاش و حرکتی در جهت خلاف نظر آنان در باب این بقعه متبرکه انجام نمی‌دادند.

ابودلف (د. قرن ۴ هـ ق.) جهانگرد معروف که چندی در خدمت امیرنصر بن احمد سامانی (۳۰۱-۳۳۱ هـ ق.) بود، اطلاعاتی در مورد مقبره و آرامگاه امام رضا (ع) ارائه داده است (ابودلف، سفرنامه ابودلف در ایران، ص ۴). بنابر آنچه وی می‌گوید در یکی از باغ‌های بسیار زیبای طوس مقبره علی بن موسی الرضا (ع) قرار دارد (همان، ص ۸۴).

بعد از این ایران شاهد حکومت دولت آل‌بویه شیعی مذهب است که در قلمرو خود مقابر امامان شیعه را مرمت و نوسازی می‌کردند (کرمر، احیای فرهنگی در عهد آل‌بویه، ص ۸۲). همچنین توجه و ارادت آن‌ها به مقبره حضرت رضا (ع) نیز بسیار زیاد است. اشاره برخی منابع قرن چهارم هجری مبنی بر این‌که گروهی از مردم با فرقه‌های شیعی، سنی، صوفی و غیره در کنار مرقد امام رضا (ع) معتکف بوده‌اند (ابن حوقل، صورة الارض، ۳۶۳)، بیانگر این بوده است

احتمالاً در این زمان حرم امام رضا (ع) از موقعیت مناسب و به دور از تعصب برخوردار بوده است که شیعیان، سادات و دیگر فرق برای زیارت و عبادت به حرم می‌رفتند، علاوه بر این به نظر می‌رسد که امکاناتی برای اینگونه حضور زائران و معتکف در این منطقه وجود داشته است تا آنان در امنیت و رفاه به امور مذهبی و شاعر دینی خویش بپردازند. نویسندگان در طول دوران‌های مختلف درباره توجه فرمانروایان آل‌بویه به مقبره و مرقد امام رضا (ع) مطالبی را نقل کرده‌اند که این حکام نیز تزئیناتی را برای مقبره امام رضا (ع) برای زیبایی آن افزودند (اعتمادالسلطنه، مطلع الشمس تاریخ ارض اقدس و مشهد مقدس، ج ۲، ص ۳۳۸).

در قرن ۴ (ه-ق) سبکتکین غزنوی، بقعه مبارکه امام رضا (ع) را ویران کرد و زیارت آن را ممنوع ساخت (انصاری، الموسوعه الکبری، ج ۷؛ ص ۳۰۷)، اما پسر او یمین‌الدوله محمود، حرم را مرمت کرد و «بارگاهی نیک پرداخت»؛ (مقدسی، احسن‌التقاسیم، ۲/۵۰)، پس از وی عمیدالدوله فائق، که بیهقی او را «خادم خاصه» نامیده، به تکمیل بقعه رضوی و آبادانی مشهد دست زد. بیهقی در کتاب خویش در باب تجدید و مرمت بقعه متبرکه امام رضا (ع) چنین توضیح می‌دهد که این امر یک‌بار در پایان عهد سامانیان و بار دیگر در زمان سلطنت مسعود غزنوی (۴۲۱-۴۳۲ ق.). بقعه متبرکه توسط بوبکر شهرد کدخدای فائق‌الخادم خاصه و سوری‌ن معزز والی خراسان تجدید بنا یا آباد شده است. (بیهقی، تاریخ، ۵۳۱-۵۳۲). سوری‌ن معزز یا معز، مشهور به صاحب دیوان که از سوی سلطان محمود بر خراسان حکومت داشت «و مردی نیکو صدقه و نماز بود و آثار خوش، وی را به طوس هست»، (همان، ص ۴۱۳). چیزهای دیگری بر حرم افزود و مناره‌ای برای آن بساخت «و دیهی خرید، فاخر و بر آن وقف کرد» (همان، ص ۴۱۳) و اولین حصار را به دور شهر برافراشت؛ بنابراین می‌بینیم که تا قرن ششم و دوره حکومت سلجوقیان که مذهب اهل تسنن داشته‌اند، مرقد امام رضا (ع) چندین بار تجدید بنا شده است و گروه‌های مردم از طبقات اجتماعی جامعه آن دوران با سلاقی و علائق به زیارت آن مرقد شریف می‌پرداختند و آن مکان را مقدس می‌شمردند. از روی مطالب و

مستندات تاریخی چنین به نظر می‌رسد که در دوره غزنویان و سلاجقه بقعه متبرکه امام رضا (ع) دخل و تصرفات در آن در حد تعمیر یا اضافه نمودن تزئینات به این بارگاه بوده است. اما در باب هجوم مغولان به این ناحیه و تخریب بقعه امام رضا (ع) مطالبی ذکر شده است که پس از آن توسط غازان خان یا سلطان محمد اولجاتیو گنبدی بر روی بقعه نصب شده است. اما بر اساس مستندات تاریخی تا دوره تیموری (حدود سال ۸۲۱ ق.) تغییر عمده و ساختاری نکرده، زیرا نه تنها مغول‌ها به مشهد هجوم نیاورده بلکه چنگیزخان لشکریانش را از تهاجم به مشهد برحذر داشته و مشهد را «دارالامان» قرار داده (خنجی، مهمان‌نامه بخارا، ۳۴۹) و اصولاً حرم مطهر آسیبی ندیده و لزومی به بازسازی نداشته است. ابن بطوطه هم که در اواسط قرن هشتم هجری قمری از رونق حرم مطهر علی بن موسی الرضا (ع) به نیکی سخن گفته است (ابن بطوطه، سفرنامه، ۴۴۱) به همان دلیل بوده که احتمالاً حاکمان مغول نسبت به تزئینات و آراستگی حرم مطهر و حضور شیعیان و مردم از طبقات مختلف برای زیارت رویکرد مثبت داشته‌اند.

در کتاب الثاقب فی المناقب، (تألیف حدود ۵۶۰ هـ) در طی حکایتی به نصب صندوقی اشاره شده است. مطابق این روایت، انوشیروان مجوسی رسول خوارزمشاه به دربار سلطان سنجر به جهت بیماری برص که بر او عارض شده شد و شفا یافت و بدین جهت شبه صندوقی از نقره بر بود، در مسیرش در حرم رضوی به امام رضا (ع) متوسل قرب امام قرار داد و مالی بر آن وقف کرد. (طوسی، الثاقب فی المناقب، ۲۰۶).

در سال ۶۹۰ هـ ق ترنج‌های نقره‌ای بالای این صندوق که به ضریح تعبیر شده است، توسط ایغورتای یکی از سرداران متمرّد غازان خان حاکم خراسان و فرمانروای بعدی ایران (حکومت ۶۹۴ تا ۷۰۳ هـ ق) غارت می‌شود (همدانی، جامع التواریخ، ۲/۸۶۰). بعد از این یغماگری در سال ۷۳۳ هـ ق ابن بطوطه از صندوقی چوبی بر روی قبر امام یاد می‌کند که سطح آن با صفحات نقره پوشیده بود (ابن بطوطه، سفرنامه، ۱/۴۴۱).

در روزگار سلجوقیان در اثر درگیری بین فرق مسلمین، (شیعیان و اهل تسنن) بقعه متبرکه علی بن موسی الرضا (ع) مورد تعرض واقع گردید و این بنا دچار آسیب جدی شد؛ در سال ۵۱۵ ه.ق) فرامرز بن علی، حصار پیرامون مشهد مقدس کشید و آن حصار بلند موجب شد مشهد از گزند حوادث محفوظ بماند و کسی نتواند به آنجا صدمه‌ای وارد کند؛ (ابن اثیر، الکامل، ج ۱۰ ص ۵۲۲) و بقعه متبرکه را نیز مورد تعمیر قرار داد. در دوره سلاجقه در اوایل قرن ۶ هجری تعمیراتی نیز در بقعه متبرکه صورت پذیرفت همچنین تزئیناتی نیز بدان افزوده شد. در نیمه دوم قرن ۶ هجری به دستور ترکان زمرد ملک (خواهرزاده سلطان سنجر)، ازاره حرم توسط یحیی بن هبة الله الحسینی کاشی کار معروف، با بهترین کاشی‌های زرین فام ستاره و ۸ ضلعی سنجری تزئین شد.

نمونه کاشی مورد مطالعه با نقوش هندسی از دوره سلجوقی در حرم امام رضا (ع) کاشی‌های ازاره اطراف روضه منوره: این کاشی‌های زرین فام، که تنها کاشی‌های برجای مانده دوره سلجوقی در حرم مطهر رضوی می‌باشند، در طی ۳ دوره تاریخی ساخته شده‌اند. بانو "ترکان زمرد ملک" فرزند سلطان محمود شهید (خواهرزاده سلطان سنجر)، از وابستگان دربار سلجوقی بانی این کاشی‌ها شمرده می‌شود. بر طبق کتیبه‌های موجود بر روی کاشی‌ها در نیمه دوم سده ۶ ه.ق. به سفارش این بانو، این کاشی‌های زرین فام و زیررنگی با اشکال هندسی برای ازاره حرم مطهر رضوی ساخته شد. در دوران خوارزمشاهیان، در سال ۶۱۲ ه.ق. و در دوره ایلخانان در سال ۷۶۰ ه.ق. این کاشی‌ها توسط خاندان ابوطاهر، و بنا بر ضرورت، مورد تکثیر، همانندسازی و مرمت قرار گرفت). (مقاله مطالعه تطبیقی ویژگی‌های بصری و ساختاری نقوش هندسی کاشی‌های منتخب حرم امام رضا (ع) در دوره سلجوقی و تیموری / ۲۵-۳). علاوه بر این اقدامات ترکان زمرد خاتون و خواهرش قرآن سی جزء را به آستان مقدسه اهدا نمودند. این امر نشان از علاقه به اهل بیت حتی در خاندانی از اهل سنت دارد که این محبت و علاقه جدا و ورای مفاهیم مذهبی قرار دارد.

از مهم‌ترین کاشی‌های به‌جای مانده از این ایلخانان دوران کاشی‌های زرین‌فام آزاره حرم رضوی است که توسط خاندان ابی‌طاهر (خانواده سفالگر مشهور کاشانی) و با خلافت دو نفر از این خاندان به نام‌های محمدبن ابی‌طاهر و ابوزید نقاش ابداع شده‌اند. آنان در سال ۶۱۲ هجری در مشهد، دور تا دور دیوارهای بقعه مطهر را با کاشی‌های هشت ضلعی و ستاره‌ای شکل (ستاره هشت‌پر) زرین‌فام و آبی که حاشیه‌ای کتیبه دار داشت تزئین کردند.

در روزگار خوارزمشاهیان نیز بقعه متبرکه مورد توجه بود و تزئینات نوینی بر آن افزوده شد؛ از جمله دو محراب کاشی چینی‌نما و کاشی‌های نفیس برجسته اطراف سردر پیش روی مبارک، از تزئینات علی‌بن محمد مقری و کتیبه‌ای حاوی دو بیت شعر فارسی از عبدالله بن محمود بن عبدالله، در دیوار حرم مطهر، که «سنه ۶۱۲» بر آن کتابت شده، از آثار همین دوره است. مشهدالرضا در دوره مغولان در ۶۱۸ ق با حمله تولی پسر چنگیز به روضه مقدس، بقعه رضوی دچار ویرانی شد، ولی به انهدام کامل نینجامید؛ زیرا کاشی‌های سنجری آزاره حرم که پس از (۵۵۷ ق) نصب شده است، هنوز در حرم وجود دارد. (عطاردی، تاریخ آستان قدس رضوی، ج ۱، ص ۱۱۲-۱۱۳).

ابن بطوطه در این دوره حرم رضوی را چنین توصیف می‌کند: مشهد مکرم امام رضا (ع) قبه‌ای بزرگ دارد؛ قبر در داخل زاویه‌ای است با مدرسه‌ای و مسجدی در کنار آن و این عمارت‌ها همه با سبکی بسیار زیبا ساخته شده و دیوارهای آن کاشی است؛ روی قبر، ضریحی چوبی قرار دارد که سطح آن را با صفحات نقره پوشانده‌اند؛ از سقف مقبره، قندیل‌های نقره آویزان است؛ آستان در قبه هم از نقره است و پرده ابریشم زردوزی بر در آویخته؛ داخل بقعه با فرش‌های گوناگون مفروش گردیده است (ابن بطوطه، سفرنامه، ج ۱ ص ۴۷۱) این سخن نشان از گسترش شیعیان و ارادت آنان به این بقعه متبرکه دارد.

همچنین در قرون هفتم و هشتم هجری قمری نیز مقبره امام رضا از آبادانی و رونق خوبی برخوردار بوده است و نشان می‌دهد که حرم امام رضا (ع) را مغولان به‌طور کلی ویران نکردند.

البته در هر صورت برخی از نویسندگان که خبر تخریب حرم را به وسیله مغولان قبول کرده‌اند چنین بیان داشته‌اند که سلطانی هم چون اولجایتو در این زمینه نقش داشته و اقدام به بازسازی خرابی‌های حرم کرده است (اعتماد السلطنه، مطلع الشمس، ج ۲، ۳۴۰).

یاقوت حموی (د. ۶۲۶ هـ) در کتاب خود می‌گوید در طوس مقبره امام رضا با قبر هارون الرشید کنار هم است که مردم فرق مختلف برای زیارت به آنجا می‌روند (حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۵۶). حمدالله مستوفی قزوینی نیز در قرن هشتم هجری از مقبره امام رضا (ع) دیدن کرده و آن را از مقابر عظاما و بزرگان و از مزارات متبرکه مشهد عنوان کرده است (مستوفی، نزهة القلوب، ص ۱۱۵). ابن بطوطه جهانگرد مراکشی در سال ۷۳۴ هـ ق. زمان ابوسعیدخان بهادر، وارد مشهد می‌شود و در توصیف حرم و مقبره مطهر امام رضا (ع) می‌نویسد که قبر امام در داخل زاویه‌ای است که مدارس و مسجد نیز در کنار آن وجود دارد و این عمارت‌ها همه با سبکی بسیار زیبا و ملیح ساخته شده و دیوارهای آن کاشی است. روی قبر ضریحی چوبی قرار دارد که سطح آن را با صفحات نقره پوشانیده‌اند. از سقف مقبره، قندیل‌های نقره آویزان است. آستان در قبه نیز از نقره است و پرده ابریشم زردوزی از در آویخته است. مقبره امام رضا ضریحی دارد و شمعدان‌هایی روی قبر گذاشته‌اند (ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه (رحله ابن بطوطه)، ج ۱، ص ۴۴۱). در کتاب دیگری نیز درباره اهمیت مقبره علی بن موسی الرضا در خراسان آورده است که در تزیین قبر دولت‌ها بسیار اهتمام ورزیده‌اند (باکومی، تلخیص الآثار و عجائب الملک القهار، ص ۹۹).

در این عصر مزار امام رضا (ع) در مشهد مورد توجه حاکمان تیموری قرار گرفت و عملکرد آنان در مورد آبادانی و عمران این مرقد مطهر زمینه‌های رشد و گسترش تشیع امامیه را فراهم آورد. گزارش‌های فراوانی از توجهات مادی و زیارت‌های پادشاهان تیموری همچون شاهرخ، الغریک، ابوالقاسم بابر، حسین بایقرا و ابوسعید از حرم امام رضا (ع) در کتب این دوره نقل شده است. در سال ۸۰۷ هـ ق کلاویخو، یکی از اعضای هیئت عالی‌رتبه سیاسی اسپانیا، در زمان

تیمور به مشهد آمد و گزارشی را از حرم امام رضا (ع) در سفرنامه خود آورده است که بر این اساس می‌توان وضعیت آن دوران مرقد امام رضا (ع) را متوجه گردید. وی در سفرنامه‌اش نقل کرده است که مشهد محل شهادت امام رضا (ع) که به نام سلطان خراسان مشهور است و آرامگاهش در آنجا قرار دارد. وی در حرمی بزرگ و در تابوتی که در نقره و طلا گرفته، مدفون است. مشهد شهر زیارتی است و سالانه گروه بسیاری از فرق مختلف به زیارت ایشان می‌آیند (کلاویخو، سفرنامه کلاویخو، ص ۱۹۳). حال بر اساس این شرح کلاویخو از حرم مطهر امام رضا (ع) و این‌که سالانه گروه بسیاری زائر به زیارت ایشان می‌آیند، نشان‌دهنده برقراری امنیت و رونق در این دوران است.

در عصر تیموری زیارت مزار امام هشتم شیعیان در مشهد مقدس ترویج بیشتری یافت. علاوه بر منطقه خراسان از اقصی نقاط جهان اسلام نسبت به امام رضا (ع) ارادت می‌ورزیدند، چنانکه اسفزاری می‌نویسد: «طوایف اوالا آدم از اقصای باد عالم روی اراده و نیاز بدان کعبه عز و ناز دارند». (اسفزاری، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، ۱/۱۸۳) حافظ ابرو در زبده‌التواریخ آورده است که «اهل تحقیق زیارت مشهد رضوی را با حج اکبر مساوی دانسته‌اند». (حافظ ابرو، ذیل کتاب ظفرنامه نظام‌الدین شامی، ۳/۴۵۰).

پس از تیمور، فرزندش شاهرخ (۸۵۰-۸۰۷ هـ ق) در دوران فرمانروایی خود بارها از روی علاقه به اهل‌بیت و بزرگان دین و مقابر آنها برای زیارت امام رضا (ع) به مشهد آمد و به تزیین، ساخت و گسترش حرم مطهر پرداخت و در سال ۸۲۱ هـ قندیلی را به حرم مطهر امام رضا (ع) اهدا کرد که از سه هزار مثقال طلا ساخته شده بود (خواند میر، تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر، ج ۳، ص ۶۰۲). ساخت اولین پنجره فولاد برای قبر مطهر در زمان شاهرخ (با توجه به وجود قدیمی‌ترین پنجره فولاد که مربوط به این دوره است، به احتمال قوی ساخت اولین ضریح در قرن ۹ ق می‌باشد). (حافظ ابرو، زبده‌التواریخ، ۲/۶۹۳). در کتاب شرفنامه چنین

آمده است که در دوره سلطان حسین بایقرا او به تکمیل تزئینات و کتیبه‌های بقعه شریفه پرداخته است. (یزدی، ظفرنامه، ۱۰۲/۱).

این‌گونه اعمال و رفتار حاکمان تیموری (چه نظاهر یا از صدق و خلوص نیت) در تکریم و تعظیم ائمه شیعیان امامیه و حاجت‌طلبی از آنان در برهه‌های سخت، موجب می‌شد تا عامه مردم نیز به تأسی از آنان برای رفع حوائج خویش به سوی این بقاع متبرکه بشتابند و میان آنان و ائمه شیعه انس و الفتی شکل گیرد و پس از برآورده شدن حاجات نیز ارادتی خاص در این باب ظهور می‌کرد و همین امر راه را برای تمایل به آشنایی با فرقه شیعه امامیه هموارتر می‌نمود و گسترش تشیع امامیه در دیگر نواحی هموار می‌نمود و تجلی آن را در آبادانی و رونق حرم مطهر (ع) و توسعه این بنای مذهبی می‌توان مشاهده نمود.

نتیجه‌گیری

با توجه به قرآنی که مطرح گردید پس از شهادت امام رضا (ع) بقعه مطهر ایشان در خراسان مورد توجه شیعیان امامیه و ارادتمندان این خاندان قرار گرفت و برخی شیعیان امامیه از هر ناحیه برای مجاورت در کنار مرقد مطهر به این دیار می‌شتافتند. به تدریج خراسان به کانونی برای تشیع و ترویج مباحث مذهبی گردید. در این میان شیعیان و ارادتمندان در پی زیباسازی و گسترش بقعه مطهر علی بن موسی الرضا (ع) بودند. این دگرگونی‌ها باعث گردید تا جغرافی‌دانان و مورخین به تغییرات و تحولاتی که پیرامون این بنای شیعی مذهب رخ می‌دهد، در کتب خویش واکنش نشان داده و در باب محوطه بنا و اجزاء تزئینی آن به سخن پردازند. جغرافی‌دانان و مورخین از قرن سوم تا آخر دوره تیموری به آرامی به سخن از این مکان پرداختند و هرچه به قرون ۴ و ۵ نزدیک‌تر می‌گردیم، شکل ظاهری بنا، کاشی‌کاری‌ها و مناره‌ها با اشکال خاصی توسط معماران طراحی گردیده و با اسلوب ویژه ساخته شده‌اند، بیشتر مورد توجه آنان قرار می‌گیرد و با برخی با جزئیات دقیقی به تصویرسازی از این بقعه متبرکه می‌پردازند.

منابع:

۱. ابن اثیر، عزالدین، تاریخ کامل، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۵.

۲. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، تصحیح مهدی لاجوردی، قم: انتشارات محمدرضا مشهدی، ۱۳۶۳.
۳. ابن بطوطه، محمد بن عبدالله، سفرنامه ابن بطوطه (رحلة ابن بطوطه)، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.
۴. ابن حوقل، ابوالقاسم محمد، صورة الارض، لیدن، بی نا، ۱۹۶۷.
۵. ابن حوقل، ابوالقاسم محمد، سفرنامه ابن حوقل «ایران در «صورة الارض»»، ترجمه جعفر شعاری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶.
۶. ابودلف ینوعی، مسعربن مهلهل، سفرنامه ابودلف در ایران، با تعلیقات ولادیمیر مینورسکی، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، تهران: فرهنگ ایران زمین، ۱۳۴۲.
۷. ابوالفداء، ابوالقاسم، تقویم البلدان، ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
۸. اسفزاری، معین‌الدین، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۸.
۹. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، مسالک و ممالک، بی جا: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
۱۰. اعتماد السلطنه، محمدحسن خان، مطلع الشمس، تهران: پیشگام، ۱۳۶۲.
۱۱. اعتماد السلطنه، محمدحسن خان، مطلع الشمس تاریخ ارض اقدس و مشهد مقدس، تهران: فرهنگسرا، ۱۳۶۲.
۱۲. انصاری زنجانی، اسماعیل، الموسوعه الکبری عن فاطمه الزهراء، قم: دلیل ما، ۱۴۲۸ ق.
۱۳. باکومی، عبدالرشید، تلخیص الآثار و عجائب الملک القهار، موسکو: دارالنشر العلم اداره التحریر الدینیة الآداب الشریقه، ۱۹۷۱.
۱۴. بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان (بخش مربوط به ایران)، ترجمه آذرتاش آذرنوش، چاپ دوم، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۴.
۱۵. بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین، تاریخ بیهقی، تصحیح علی اکبر فیاض، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۵۰.

۱۶. جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، چاپ چهارم، قم: انصاریان، ۱۳۸۴.
۱۷. جیهانی، ابوالقاسم بن احمد، اشکال العالم، ترجمه علی بن عبدالسلام، مقدمه و تعلیمات فیروزی منصوری، ناشر: به نشر، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
۱۸. حافظ ابرو، شهاب الدین عبدالله، جغرافیای تاریخی خراسان، تصحیح و تعلیق: غلامرضا ورهرام، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۰.
۱۹. حافظ ابرو، شهاب الدین عبدالله، ذیل کتاب ظفرنامه نظام الدین شامی، تهران: چاپ بهمن کریمی، ۱۳۲۸.
۲۰. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، تاریخ نیشابور، ترجمه محمد بن حسین خلیفه نیشابوری، تهران: آگه، ۱۳۷۵.
۲۱. حدود العالم من المشرق الى المغرب، با تعلیقات مینورسکی، ترجمه میر حسین شاه، تصحیح مریم میراحمدی و غلامرضا ورهرام، تهران: دانشگاه الزهراء، ۱۳۷۲.
۲۲. حموی، یاقوت، معجم البلدان، تحقیق: فرید عبدالعزیز الجندی، بیروت-لبنان: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰.
۲۳. خنجی، فضل الله، مهمان نامه بخارا، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
۲۴. خواند میر، غیاث الدین بن همام الدین، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، تهران: خیام، ۱۳۳۳.
۲۵. ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۰۶.
۲۶. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوک، تهران: اساطیر، ۱۳۵۲.
۲۷. طوسی، عمادالدین جعفر محمد بن حمزه، الثاقب فی المناقب، تحقیق بنیل رضا علوا، قم: انصاریان، ۱۴۱۱ ق.
۲۸. عطاردی، عزیزالله، تاریخ آستان قدس رضوی، قم: دلیل ما، ۱۳۸۶.
۲۹. الفارسی، الحافظ ابوالحسن عبدالغافر بن اسماعیل، الحلقه الاولى من تاریخ نیشابور المنتخب من السياق، قم: جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه فی قم، ۱۴۰۳.
۳۰. قطب راوندی، سعید بن هبه الله، الخرائج و الجرائح، قم: مصطفوی، ۱۴۰۹.

۳۱. کرمر، جوئل، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ترجمه سعید حنایی کاشانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵.
۳۲. کلاویخو، روی گونسالس، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۴۴.
۳۳. کوفی، محمد علی اعثم، الفتوح، ترجمه احمد بن مستوفی هروی، ۱۳۰۵.
۳۴. مستوفی، حمدالله، نزهه القلوب، تهران: دنیای کتاب ۱۳۶۲.
۳۵. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، بیروت: دارالاندلس، ۱۳۸۵.
۳۶. مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱.
۳۷. نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، چاپ محمدصادق آل بحر العلوم، نجف: مکتبه المرتضویه، ۱۳۵۵.
۳۸. همدانی، رشیدالدین فضل الله، جامع التواریخ، به کوشش بهمن کریمی، تهران: اقبال، ۱۳۳۸.
۳۹. یزدی، شرف الدین علی، ظفرنامه، تهران: اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷.
۴۰. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب «ابن واضح یعقوبی»، البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۲۵۳۶.
۴۱. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب، ۱۳۵۶.
۴۲. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا، ص ۸، شماره نسخه ۱۷۴۴، نسخه موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی.
۴۳. سپاسی، زهره، قاضی‌زاده، خشایار، مقاله مطالعه تطبیقی ویژگیهای بصری و ساختاری نقوش هندسی کاشی‌های منتخب حرم امام رضا (ع) در دوره سلجوقی و تیموری، فصلنامه علمی نگره، شماره ۶۰، سال ۱۴۰۰.